

به نام ایزد یکتا

۱۱۳۹۸

۱۰۱۸۴۴

۲۱-۵۸۹۹۰۶۰۰۶
۱۲۷۰۱۱۱۱۸۴۸۰۰۰۰



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

تحدید حاکمیت دولت ها در تقابل با جهانی شدن فرهنگ از منظر حقوق عمومی

۱۳۸۸ / ۲ / ۲۸

استاد راهنما: دکتر محمد محمدی گرگانی

استاد مشاور: دکتر محمد شریف

پژوهشگر: مهنوش مظلومیان جهرمی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق عمومی

سال ۱۳۸۷

۱۱۳۹۹۸

چکیده

جهانی شدن انقلابی برگشت ناپذیر، غیرقابل جلوگیری و در عین حال غیرقطعی می باشد. پدیده ای که به علت گستردگی نیازمند مطالعه بین رشته ای و چندبعدی است. از جمله ابعاد با اهمیت این فرایند "جهانی شدن فرهنگی" است. مهم ترین محور جهانی شدن فرهنگی را می توان رشد و گسترش حقوق بشر و توجه به بشریت به عنوان محور اصلی حقوق و پررنگ شدن اصل حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی و سیاسی خویش دانست. این امر بر حاکمیت کشورها به عنوان مهم ترین مؤلفه دولت کشور تأثیر گذاشته و آن را محدود نموده است.

زیرا با محور قرار گرفتن بشر و ارزش های بشری به عنوان تابعان اصلی حقوق نقش دولت ها و حاکمیت آن ها که در نظام بین الملل به عنوان موضوع اصلی مطرح بوده اند کمرنگ می گردد، در این شرایط دولت ها به منظور حفظ بقاء و کارایی چاره ای جز بازتعریف در اجزاء و عناصر خود از جمله عنصر حاکمیت ندارند.

۸ بخش اول: مبانی نظری جهانی شدن و حاکمیت:

۹ فصل اول: مقدمات ضروری

۱۰ گفتار اول: تعریف جهانی شدن و تاریخچه آن

۲۰ گفتار دوم: تعریف فرهنگ و جهانی شدن فرهنگی

۲۸ گفتار سوم: تعریف حاکمیت

۳۳ فصل دوم: مهمترین نظریات پیرامون تاثیر جهانی شدن فرهنگ بر حاکمیت

۳۴ گفتار اول: نگرش مارکسیستی

۴۴ گفتار دوم: نگرش لیبرالی

۴۹ گفتار سوم: نگرش واقع گرایان

۵۴ گفتار چهارم: نظریات نوگرا

۵۵ ۱- آنتونی گیدنز

۶۵ ۲- مانوئل کاستلز

۷۴ ۳- رونالد رابرسون

۸۱ بخش دوم: تاثیر جهانی شدن فرهنگ بر حاکمیت

۸۲ فصل اول: جهانی شدن فرهنگ، تحدیدی برای حاکمیت دولت ها

۸۳ گفتار اول: جهانی شدن حقوق بشر و تحدید حاکمیت دولت ها

۹۴ گفتار دوم: جهانی شدن رسانه ها و ارتباطات و تحدید حاکمیت دولت ها

گفتار سوم: شکل گیری هویت جهانی و دفاع از هویت های محلی - منطقه ای و تحدید

حاکمیت دولت ها ۱۰۰

فصل دوم: دولت - ملت ها در عصر جهانی شدن ۱۰۸

گفتار اول : جایگاه حاکمیت در پی جهانی شدن فرهنگ ۱۰۹

گفتار دوم: باز تعریف حاکمیت و دولت - ملت در عصر جهانی شدن ۱۱۶

نتیجه گیری ۱۲۳

فهرست منابع ۱۲۶

مقدمه :

جهانی شدن، که از مفاهیم نظری و چالش برانگیز دوران اخیر است، پدیده ای چند بعدی است که هرروز ابعاد جدید تری می یابد و پدیده ها، نهادها و مفاهیم بسیاری را دچار تغییر و تحول می نماید و به علت رشد سریع و غیر قابل پیش بینی آن، تنظیم برنامه ای دقیق و دراز مدت را با مشکل مواجه ساخته است. همچنین گستردگی و چند بعدی بودن این پدیده، امکان ارائه تعریفی دقیق، جامع و کامل از آن را دشوار گردانیده است. آنچه در اکثر تعاریف ارائه شده پیرامون فرایند جهانی شدن مشترک است، آن است که، این پدیده انقلابی برگشت ناپذیر، غیر قابل جلو گیری و در عین حال غیر قطعی می باشد که منجر به کوچک شدن و نزدیکی جهان، فرو ریختن مرزها و حرکت در جهت یک جهان واحد و فرا گیر شده است.

جهانی شدن پدیده ای است که به علت گستردگی و چند بعدی بودن، نیازمند مطالعه ای بین رشته ای و بررسی از ابعاد گوناگون سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و... می باشد.

یکی از ابعاد با اهمیت فرایند جهانی شدن که بسیاری از متفکران در این زمینه، آن را مهم ترین و موثرترین بعد این فرایند که در پس سایر ابعاد قرار گرفته است می دانند "جهانی شدن فرهنگی" است.

جهانی شدن حقوق بشر، رشد و گسترش رسانه های ارتباطی و اطلاعاتی، اهمیت یافتن مقوله هایی همچون، زیست بوم جهانی، تروریسم، ایدز، شکل گیری سازمان های بین المللی غیر دولتی (NGOs)، اهمیت یافتن صلح و امنیت بین المللی، فروریختن مرزهای تاریخی، فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی میان کشورها و ایجاد هویت جدید جهانی در کنار هویت های محلی - منطقه ای سابق و بسیاری عوامل دیگر، در شکل گیری "فرهنگی جهانی" متفاوت از فرهنگ های محلی و ملی هر یک از کشورها و تمدن ها نقش داشته است. در این فرهنگ با ارزش های فرا زمانی و فرامکانی مواجه ایم که بشر و حقوق و آزادی های او را محور قرار داده است. در این راستا مفاهیم و نهادهای بسیاری به منظور ادامه حیات و مفید بودن در دوران جدید، دچار تغییر و تحول اساسی می گردند. از جمله این مفاهیم می توان به "حاکمیت دولت - کشورها" اشاره کرد.

حاکمیت، که عنصر ماهوی دولت - ملت و مبنای نظم دولتی بین المللی است، به واسطه جهانی شدن با چالش جدی مواجه شده است. زیرا گذار از جامعه بین المللی به جامعه جهانی، موجب گردیده تا نهادها و مفاهیم متعلق به جامعه بین المللی کارایی خود را در جامعه جدید از دست داده و برای حفظ بقا و حیات خود نیازمند بازتعریف و تغییرات اساسی گردند. با رشد و گسترش حقوق بشر، نهادهایی همچون سازمان ملل، شورای امنیت و ... که نهادهایی متعلق به جامعه بین الملل می باشند و خود براساس اصل استقلال و حاکمیت دولت ها و منع مداخله در امور داخلی دولت ها شکل گرفته اند، نیز تهدید شده و مجبور به توجه به رعایت حقوق بشر و زیرپا گذاشتن اصولی هستند که متعلق به جامعه بین الملل است و نه جامعه جهانی.

سازمان ملل و ارکان آن تا کنون تلاش های بسیاری در جهت تحدید حاکمیت دولت ها به منظور رعایت حقوق بشر اعمال داشته اند اما در واقع این شورای امنیت نیست که در جهت گسترش و جهان شمولی حقوق بشر اقدام می کند بلکه به واسطه سیر حرکت تکامل اجتماعی بشر، که حرکتی پیش رونده و سریع

شونده می باشد، نهادهای جامعه بین الملل نیز مجبور به واکنش در برابر نقض حقوق بشر می شوند. زیرا این نهادها خود محل تجمع دولت هایی هستند که ناقضین اصلی حقوق بشر می باشند پس هیچ گونه اقدامی در جهت تحدید حاکمیت دولت ها به عمل نمی آورند. اما به واسطه جهانی شدن رسانه ها، تلاش های سازمان های بین المللی غیر دولتی (NGOs) و مصلحین اجتماعی و ... است که شاهد جهانی شدن حقوق بشر و تحدید حاکمیت دولت ها می باشیم. تمامی این تحولات را می توان "بعد فرهنگی جهانی شدن" دانست یکی از مسایل بسیار مهم و موثر در شکل گیری این تحولات، گسترش روزافزون وسایل ارتباط جمعی می باشد که منجر به تحدید مرزهای ملی که به حاکمیت سرزمینی دولت ها، اعتبار می بخشید، شده است.

حال به واسطه چنین وقایعی در عصر جدید بر خلاف نظام بین الملل که دولت های دارای حاکمیت محوریت داشتند، موضوع اصلی حقوق، فرد بشر قرار گرفته است بنابراین دولت ها به منظور حفظ بقا و کارایی خود، چاره ای جز باز تعریف و تغییر در اجزاء و عناصر خود از جمله عنصر حاکمیت ندارند.

- کلیات:

- طرح مساله:

جهانی شدن که مهم ترین پدیده عصر جدید است، دارای ابعاد گوناگونی است و به سبب پیچیدگی و گستردگی، ابعاد زیادی را نیز تحت تاثیر قرار داده است. از جمله ابعاد مهم این پدیده "جهانی شدن" فرهنگی است که به واسطه رشد و گسترش حقوق بشر، پیشرفت های اعجاب انگیز علم و تکنولوژی که منجر به گسترش رسانه ها گردیده، همچنین شکل گیری سازمان های بین المللی غیر دولتی در زمینه های گوناگون شکل گرفته است.

جهانی شدن فرهنگی، یکی از ابعاد جهانی شدن است که در از میان رفتن مرزهای میان کشورها نقش مهمی داشته است. بدین ترتیب تحولات زیر بنایی در ساختار عملکرد نظام ارتباطی جهان ایجاد شده که بسیاری از مناسبات پیشین را دچار تحول گردانده و ضرورت باز اندیشی در بخش عظیمی از مفاهیم متعلق به جامعه بین الملل که با جامعه جدید جهانی انطباق ندارد را به وجود آورده است. حاکمیت دولت ها از جمله این مفاهیم است.

اهداف پژوهش:

- تلاش برای شناخت عمیق و علمی پدیده جهانی شدن فرهنگ به عنوان یکی از مهم ترین تحولات حقوقی عصر جدید.

- بررسی عوامل تحدید کننده حاکمیت در چار چوب جهانی شدن فرهنگ.

- بررسی پیامدهای جهانی شدن فرهنگ بر حاکمیت دولت ها.

- تلاش برای پر کردن بخشی از خلاء موجود در متون علمی، پیرامون بررسی جهانی شدن از منظر حقوق عمومی.

اهمیت و ضرورت پژوهش:

در این زمینه می توان به لزوم درک و شناخت حاکمیت دولت ها و دگرگون شدن آن در عصر جامعه جهانی اشاره کرد. از آنجا که حاکمیت دولت ها از مفاهیم کلیدی حقوق عمومی می باشد. باوقوع دگرگونی در این مفهوم، حقوق عمومی نیز دچار تحولات عمیقی در عصر جدید می شود.

انگیزه پژوهش:

پدیده جهانی شدن، از ابعاد گوناگونی مورد مطالعه محققین قرار گرفته است. اما این پدیده کمتر از بعد تاثیر بر حقوق عمومی مورد مطالعه دقیق و علمی واقع شده است. همچنین بیشتر مطالعات انجام گرفته در مورد فرایند جهانی شدن، از منظر اقتصادی یا سیاسی صورت گرفته است. توجه به بعد فرهنگی جهانی شدن به ویژه از منظر حقوقی در این زمینه به شدت محجور مانده است.

سؤال پژوهش:

با توجه به وجود دیدگاه های متفاوت و بعضا متعارض پیرامون جهانی شدن و به ویژه جهانی شدن فرهنگی و تاثیر آن بر حاکمیت دولت ها، سؤال مورد نظر در این تحقیق عبارتست از:
- آیا جهانی شدن فرهنگ، تحدید کننده حاکمیت دولت ها است؟

فرضیه پژوهش:

فرضیه ای که در پاسخ به این سؤال بیان شده است ، عبارت است از :
جهانی شدن فرهنگ تحدید کننده حاکمیت دولت ها است .

روش جمع آوری اطلاعات:

با عنایت به ماهیت و موضوع تحقیق، داده های تحقیق براساس روش کتابخانه ای و استفاد از کتب، مقالات و سایت های اینترنتی فارسی و لاتین جمع آوری شده است و موضوع رساله با روش حقوقی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

نقطه تمرکز:

نقطه تمرکز پژوهش حاضر به لحاظ موضوعی " توجه به حاکمیت دولت ها از منظر حقوق عمومی " می باشد.

تعریف مفاهیم و متغیر ها:

حاکمیت: قدرت برتر فرماندهی و امکان اعمال اراده ای فوق اراده های دیگر که متعلق به ملت بوده و برای اعمال آن از سوی ملت به دولت واگذار می شود.

جهانی شدن: کوتاه شدن فواصل زمانی و مکانی و گردش آزاد کالاها ، اندیشه ها و ایدئولوژی ها در ماواری مرزها و خارج از کنترل دولت ها .

جهانی شدن فرهنگ: شکل گیری فرهنگی خاص مبتنی بر "کرامت ذاتی انسان" برای تمامی ابناء بشر، فرای مرزها و حاکمیت دولت ها. این فرایند به واسطه تکنولوژی های ارتباطی و اطلاعاتی و فعالیت سازمان های بین المللی غیر دولتی، تسریع گشته است.

حقوق بشر جهانی: محوریت "فرد بشر" به عنوان موضوع اصیل حقوق، بدون در نظر گرفتن تابعیت افراد بشر و هر گونه تمایز دیگری از لحاظ جنس، نژاد، زبان، عقیده و ... این حقوق بر مبنای کرامت ذاتی انسان و حاکم بودن او بر سرنوشت خویش، بردباری و خود داری از تحمیل هر گونه اندیشه ای به هم منع خویش استقرار می یابد.

جهانی شدن رسانه ها:

اشاعه و گسترش جریان آزاد اطلاعات در گستره بدون در نظر گرفتن مرزهای سیاسی میان کشورها. این امر به واسطه تکنولوژی های نوین اطلاعات و ارتباطات همچون ماهواره و اینترنت تسریع شده است.

مشکلات و تنگناهای احتمالی پژوهش:

یکی از مشکلات انجام این تحقیق، نظری و تئوریک بودن مفاهیم به کار رفته در مسئله مورد بررسی می باشد که موجب اختلاف نظر میان محققین مختلف شده است و در انتخاب روش و دیدگاه صحیح باعث مشکلاتی شده است. مشکل دیگر کمبود منبع در زمینه مطالعات حقوق عمومی در رابطه با جهانی شدن می باشد که موجب نگرانی نگارنده، به جهت خروج از بحث و ورود به مباحث مورد مطالعه در رشته روابط بین الملل یا حقوق بین الملل می گردید.

سازماندهی پژوهش:

در پژوهش تلاش گردیده موضوع تحقیق به صورت مبنايي مورد بررسی قرار گیرد. براین اساس پژوهش حاضر در دو بخش سازماندهی شده است. در بخش اول سعی شده است تا مبانی نظری جهانی شدن و حاکمیت مورد بررسی قرار گیرد. در این بخش مقدمات ضروری و مهمترین نظریات پیرامون تاثیر جهانی شده فرهنگ بر حاکمیت ذکر شده است. در بخش دوم، تاثیر جهانی شدن فرهنگ بر حاکمیت مورد بررسی قرار گرفته و به این منظور، ابعاد گوناگون جهانی شدن فرهنگ که حاکمیت دولت ها را تحدید می نماید و همچنین نقش و جایگاه دولت - ملت ها و حاکمیت آن ها در عصر جهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در پایان نیز به نتیجه گیری و استنتاجات و معرفی منابع پرداخته شده است.

بخش اول

مبانی نظری جهانی شدن و حاکمیت

فصل اول : مقدمات ضروری

این فصل به عناصر اولیه تحقیق مانند تعاریف و تاریخچه پرداخته شده است. سعی شده است که مقدمات ضروری بحث در سه گفتار ارائه گردد.

در گفتار اول در ابتدا به ذکر برخی تعاریف ارائه شده از سوی اندیشمندان پیرامون جهانی شدن پرداخته و سپس تاریخچه ای مختصر همراه با مرحله بندی که یان آرت شولت برای روند رشد جهانی شدن ذکر می کند به لحاظ توجه دقیق به وقایع تاریخی و تحلیل عمیق آنها ارائه گردیده است.

در گفتار دوم به تعریف فرهنگ و جهانی شدن فرهنگی پرداخته شده است. از آنجا که فرهنگ از جمله مفاهیمی است که به علت گستردگی ، تعاریف متفاوتی از آن ارائه گردیده است ، لذا در این گفتار سعی شده به منظور جلوگیری از خروج از بحث ، فرهنگ تنها در چار چوب فرایند جهانی شدن و به عنوان عاملی مهم و اساسی در اعمال حاکمیت دولت ها و تحدید آن ، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. همچنین در ادامه به تحلیل جهانی شدن فرهنگی و ارائه نگرشهای موافق و مخالفی که در این رابطه وجود دارد پرداخته شده است.

در گفتار سوم نیز، تعریف حاکمیت ، نحوه شکل گیری آن و مختصری از مصایق تحدید حاکمیت به واسطه جهانی شدن ارائه شده است.

گفتار اول:

تعریف جهانی شدن و تاریخچه آن:

جهانی شدن در زبان انگلیسی معادل واژه "globalization" در نظر گرفته شده است.

جهان در عبارت جهانی شدن ترجمه واژه "word" یا "universe" نمی باشد، بلکه برگرفته از "globe"

است. این اصطلاح در اصل به معنی "کره" یا سطح فراگیر یک جسم کروی است. بر این اساس معنای لغوی

"global" نیز فراگیر شدن یا تاثیر گذاردن بر کل دنیا و سراسر جهان است.^۱ مارتین آلبرو نیز بیان می

کند، پسوند "ization" زمانی به کار می رود که یک فرآیند دگرگونی اساسی در حال انجام است. بنابراین

ترجمه صحیح تر "globalization" همان جهانی شدن است.^۲ در رابطه با تعریف جهانی شدن در میان

صاحب نظران، اجماع نظری حاصل نشده است. زیرا جهانی شدن از ابعاد گوناگونی قابل توجه و بررسی است.

به همین دلیل در این رابطه تعاریف گوناگونی ارائه گردیده است.

جهانی شدن در مفهوم رایج کلمه یکی از مراحل پیدایش اقتصاد و بازار جهانی است که از قرن پانزدهم

میلادی با گسترش استیلای اروپا پدیدار شد. امروزه مفهوم جهانی شدن بیشتر به ابعاد سیاسی، فرهنگی و

اجتماعی این فرآیند کلی اشاره دارد.

جمیز روزنا، جهانی شدن را فرآیند دگرگونی در عادات و هنجارها تلقی می کند. این فرآیند، فرآیندی است

که آثار و نتایج آن بر امور وادهان انسانها فراتر از قلمرو سرزمینی در هر نقطه از جهان اثر گذاشته است و

^۱ - webster, 2004

^۲ - سلیمی، حسین: نظریه های گوناگون در باره جهانی شدن، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴، ص ۴.

دارای نیروهایی است که افراد، گروهها و نهادهای را به انجام رفتارهای یکسان با شرکت در فرآیند ها ، سازمان ها با نظامهای فراگیر و منسجم وا می دارد.^۳

در واقع این فرآیند با کنار گذاردن مرزها و اقدام در فراتر از قلمرو سرزمینی موجب محدود شدن حاکمیت دولت ها می گردد. دولت ها استقلال سابق بر قلمرو سرزمینی را از دست داده اند. زیرا نیروهایی قدرتمند تر یا با قدرتی معادل قدرت دولت ها روی کار آمده اند که توان تاثیر بر اذهان مردم در هر نقطه از جهان ، بدون در نظر گرفتن مرزها و حاکمیت دولت ها را دارا می باشند.

مارتین آلبرو جهانی شدن را یک مفهوم گسترده تلقی کرده و آن را یکی از اشکال قدیمی تر بین المللی شدن و حرکت در جهت ایجاد یک جهان واحد فراگیر تعبیر می کند.^۴

به نظر وی این تغییرات نشان از پایان عصر مدرنیته و آغاز عصر جهانی دارد. بنابراین مفاهیمی همچون دموکراسی و ... باید متناسب با عصر جهانی باز تعریف شود، زیرا این مفاهیم متناسب با دنیای مدرنیته بوده اند. در عصر جهانی همه چیز از چارچوبهای گذشته خارج شده و در اندازه های جهانی و فارغ از مرزهای گذشته مطرح گشته است. از نظر آلبرو در عصر جهانی ، عواملان فرهنگ و سیاست و اقتصاد نیز جهانی می شوند. و دیگر محدود به دولت ها و بازیگران محصور در مرزهای ملی نمی مانند.

از نظر آنتونی گیدنز جهانی شدن بیشتر در حوزه های اقتصادی ، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. از نظر وی انقلاب ارتباطات باعث گسترش دانش و تجربه انسانها شده است و همه ابعاد زندگی بشر را دچار تحول نموده است. به عقیده وی این منشوری سه بعدی است که جنبه اقتصاد بیش از همه ، اختیارات دولت های ملی را سلب می کند و پیامدهایی را دارد که با فشار بر ملت ها باعث به وجود آمدن امکانات تازه و انگیزه

^۳ - روزنا، جیمزان: ترجمه احمد صادقی ، "پیچیدگی ها و تناقض های جهانی شدن" ، فصلنامه سیاست خارجی ، شماره ۴، زمستان ۷۸، ص ۱۰۲۳-۱۰۲۴.

^۴ - کوهن، رابرت و نای، جوزف: ترجمه شهرام فرسایی، "جهانی شدن تازه ها و دیرینه ها"، فصلنامه سیاست خارجی ، شماره ۲، تابستان ۷۹، ص ۳۷۵، ۳۷۶.

های جدید برای کسب هویت و استقلال فرهنگی می شود و حتی گاهی این فشارها باعث ملی گرایی و با احیای فرهنگی می گردد.^۵

وی همچنین جهانی شدن را به معنی تشدید روابط اجتماعی جهانی تعریف کرده که در نتیجه آن فاصله زمان و مکان دگرگون شده و روابط میان صورتها و روابط اجتماعی به همدیگر نزدیکتر می گردند.^۶ از نظر گیدنز حاکمیت دولت های ملی برای نظارت بر امور داخلی شان ، روز به روز کمتر از سابق می شود، اما دولت ها همچنان بازیگران اصلی عرصه جهانی اند. گیدنز در مطالعاتش بر مفاهیم فضا، زمان و مکان تاکید می ورزد. او بیان می کند که در عصر جدید می توان در مکانی نبود اما در فضای آن حضور داشت و مشارکت ورزید و این امر موجب می شود تا افراد و روابط اجتماعی محصور در قلمرو مکان خاصی نمانند و این امر موجب کمرنگ تر شدن مرزهای زمانی و مکانی می شود و بدین ترتیب شکل نسبی حاکمیت تضعیف می شود ولیکن این به معنی از میان رفتن دولت - ملت ها نیست.

گلدنیک ، فرآیند های جهانی شدن و تجزیه شدن را در ارتباط با همدیگر دانسته و آن دو را فرآیندهای متقابل دو جانبه قلمداد می کند. از یک طرف گسترش تکنولوژی باعث آزاد سازی نیروها در جهان گردیده است که باعث تضعیف حاکمیت در کنترل قلمرو حاکمیت میشود و از طرف دیگر تقسیم قدرت دولت ها باعث این تضعیف گردیده به عبارت دیگر جهانی شدن عامل موثر تضعیف دولت ها گردیده است و مفهوم حاکمیت را به تحلیل می برد.^۷

در فرآیند جهانی شدن ، فناوری ها و امکانات ارتباطاتی از اهمیت بالایی برخوردارند و در اکثر نظریه های مربوط به جهانی شدن مورد توجه قرار گرفته اند. افزایش و گسترش امکانات ارتباطاتی و به تبع آن تشدید

^۵ - گیدنز، آنتونی: ترجمه ملیحه مغازه ای ، "گفتاری در باب فرآیند فرو ریختن مرزهای ملی و بومی در جهان" ، روزنامه بهار ، دوم مرداد ۷۹.

^۶ گیدنز ، آنتونی: ترجمه محسن ثلاثی، پیامدهای مدرنیت ، تهران ، نشر مرکز ، ۱۳۷۷ ، ص ۷۷.

^۷ - روزنا، جیمزان: "پیچیدگی ها، تناقض های جهانی شدن" ، فصلنامه سیاست خارجی ، ص ۱۰۲۷.

ارتباطات، تنش بسیار مهمی در پیوند مناطق دور و نزدیک جهان به یکدیگر داشته است. بدین ترتیب دولت‌ها دیگر انحصار ارائه اطلاعات به مردمان خود را از دست داده‌اند و ناگزیرند خود را با شرایط جدید جمعی هماهنگ سازند.

از نظر پیر/نک، جهانی شدن واقعا یک انقلاب است، انقلابی برگشت‌ناپذیر و غیر قابل جلو گیری. روندی که موجب انتقال به همه جوامع خواهد شد. پتانسیل‌های موجود در نیروی جهانی شدن موجب می‌شود که ارتباط با هر کس، هر کجا و در هر زمان امکان پذیر باشد. جهانی شدن با پیشرفت‌های تکنولوژیکی مرتبط است که شرایطی را فراهم کرده است که امکان ضبط کردن، دوباره به دست آوردن و ارتباط برقرار کردن با اطلاعات را در هر شکلی، قطع نظر از بعد زمان و مکان و حجم اطلاعات فراهم آورده است.^۸ صاحب‌نظران بسیاری پیرامون پدیده جهانی شدن اظهار نظر کرده‌اند و آن را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. با وجود تفاوت‌هایی که در نظریه‌های آنها می‌توان مشاهده کرد، اکثریت آنها بر این امر اتفاق نظر دارند که افزایش امکانات ارتباطاتی و تشدید ارتباطات، کمرنگ شدن مرزهای جغرافیایی، افزایش سازمانها و شرکت‌های فرا ملی، ظهور اقتصاد جهانی و اهمیت یافتن حقوق بشر از جمله مهمترین امور تاثیر گذار بر رشد و گسترش روند جهانی شدن هستند. همچنین به نظر می‌رسد جهانی شدن اساساً یک مفهوم و مطلق و نامحدود نیست و در جهان معاصر نه با یک جهانی شدن بلکه با جهانی شدن‌های بیشماری رو به رو هستیم. فرآیند جهانی شدن، فرآیندی نظام یافته و قطعی نمی‌باشد و در نقاط مختلف جهان به اشکال متفاوتی ظاهر می‌گردد اما به هر حال جهان در حال وارد شدن به دوران جدیدی است که در آن دولت‌ها دیگر تنها بازیگران عرصه بین‌المللی نیستند بلکه با ایجاد موسسات غیر دولتی و رشد و گسترش فناوری اطلاعات، حاکمیت دولت‌ها در تاثیر گذاری بر امور داخلی و بین‌المللی به شدت تضعیف شده است.

^۸ - عاملی، سعید رضا: چالش‌های جهانی شدن با فضای عمومی، حقوق فرهنگی و حقوق ملی شهروندان، مبانی نظری حقوق بشر، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ۸۶، مرکز مطالعات حقوق بشر، نشر مرکز مطالعات دانشگاه مفید، چاپ اول، سال ۱۳۸۴، ص ۷۶۳-۷۶۴.

-تاریخچه جهانی شدن:

در رابطه با تاریخچه جهانی شدن صاحب‌نظران، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. برخی جهانی شدن را مقوله‌ای قدیمی به شمار می‌آورند. برخی ویژگی‌های جهانی شدن همچون همبستگی انسانها و حقوق بشر در شکل آرمانخواهانه آن از قرن‌ها پیش توسط علمای اخلاق و حقوقدانان مطرح گردیده است.

در مقام اندیشه، نخستین بار مکتب صوفی گرایان، مخصوصاً رواقیان پس از ارسطو، اولین کانون اندیشه‌ای بوده است که مفهوم "جهانی وطنی" یا برادری همه انسانها را در برابر بستگی‌های منطقه‌ای و محلی پیشنهاد دادند.^۹

لفظ جهانی شدن (global) از چهار صد سال پیش تا کنون مورد استفاده محققینی با دیدگاه‌های متفاوت بوده است. اما خود واژه جهانی شدن برای نخستین بار در فرهنگ وبستر در سال ۱۹۶۱ میلادی مورد تعریف قرار گرفت ولیکن مفهوم جهانی شدن از نیمه دهه ۱۹۹۰ میلادی، به عنوان یک بحث علمی جدی مورد مطالعه و توجه محققین قرار گرفت.^{۱۰}

برخی از نظریه پردازان نیز جهانی شدن را یک مفهوم کاملاً جدید معرفی می‌کنند همچون آنتونی گیدنز که فرآیند جهانی شدن را چیزی جز گسترش تجدد نمی‌داند.

لغت نامه آکسفورد نیز واژه جهانی شدن را در زمره کلمات جدید معرفی می‌کند و خاطر نشان می‌سازد که کاربرد مذکور از جهانی شدن متأثر از نظریه مارشال مک لوهان درباره دهکده جهانی است که در کتاب "اکتشافات در ارتباطات" مطرح شده است.^{۱۱}

^۹ - عالم، عبد الرحمن: تاریخ فلسفه سیاسی غرب، از آغاز تا سده‌های میانه، موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۷۳.

^{۱۰} - عاملی، سعید رضا: پیشین، ص ۷۶۲.

^{۱۱} - رابرتسون، رونالد: ترجمه کمال پولادی، نشر ثالث با همکاری مرکز گفتگوی تمدن‌ها، تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۶.

در واقع کاربرد واژه جهانی شدن به عنوان یک اسم در همین سالهای اخیر تکوین پیدا کرده است. این واژه تا اوایل دهه ۱۹۸۰ در محافل دانشگاهی چندان به رسمیت شناخته نمی شد هر چند شروع فرایند جهانی شدن به سالهای بسیار دور بازمی گردد. برخی نظریه پردازان همچون والرستین ظهور و گسترش جهانی الگوی دولت - ملت از نیمه قرن هجدهم را نشانه جهانی شدن می دانند، زیرا هر چند ظهور پدیده دولت-ملت موجب ایجاد مرزهای حقوقی و تقویت ناسیونالیسم گردید اما یکسانی و یکنواختی در اعمال حکومت و اداره اجتماع زمینه را برای شتاب بخشیدن به پدیده جهانی شدن فراهم آورد.

همچنین فرو پاشی کمونیسم و نظام دو قطبی و پایان جنگ سرد از جمله عوامل دیگری است که زمینه لازم برای جهانی شدن را فراهم آورد. با از میان رفتن مرزهای ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک، بسیاری از موضوعاتی که در چارچوب اعلامیه ها و کنوانسیونها و قطعنامه ها مانند حقوق بشر، مسایل زیست محیطی و مطرح گردیدند از حالت توصیه خارج شده و جنبه عینی و عملی به خود گرفتند.^{۱۲} در فضای جنگ سرد امکان جهانی شدن الگوهای رفتاری وجود نداشته اما با پایان یافتن نظام دو قطبی، نفوذ ناپذیری مرزهای فیزیکی و ایدئولوژیکی از میان رفت و زمینه برای انواع تبادلات فکری، فرهنگی، اقتصادی و فراهم گردید همچنین با رشد حیرت انگیز فناوری ارتباطات و اطلاعات، فرهنگها امکان مبادله و تعامل بیشتری یافتند و هر روز میلیونها اطلاعات جدید را به افراد و اندیشمندان جوامع مختلف عرضه می کنند و بدین ترتیب اندیشه ها و ارزشهای آنها را تحت تاثیر قرار می دهند. این امور موجب کاهش تسلط دولت ها بر قلمرو داخلی شان و در نتیجه محدود تر شدن حاکمیت آنها می گردد.

همچنین باید در نظر داشت که تاسیس سازمان ملل در سال ۱۹۴۵، انتشار کتاب "دهکده جهانی مک لوهان" در سال ۱۹۶۵، انتشار کتاب "موج سوم" "الوین تافلر" در سال ۱۹۷۸، اتحاد پولی یازده کشور در

^{۱۲} قوام، سید عبد العلی: "بحران معنا در عصر جهانی شدن"، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۳، پائیز ۷۹، ص ۶۳۶-۶۳۷